

مقایسه پدیده‌های مشابه می‌تواند در شناخت هر چه بیشتر آن‌ها مفید واقع شود. در تاریخ جهان انقلاب‌هایی رخ داده که ممکن است بین این انقلاب‌ها تشابهات فراوانی وجود داشته باشد. بحث مراحل یا روند انقلاب‌هایی که در قرن بیستم و پس از انقلاب کشورهای مثل روسیه و فرانسه، مطرح شد جزء همین مقایسه‌هاست. برخی از محققین غربی که انقلاب‌های اخیر را بررسی می‌کردند متوجه شدند که بین انقلاب روسیه و انقلاب‌های فرانسه، انگلستان، هلند و... شباهت‌هایی وجود دارد که موجب پیدایش «نظریه تاریخ طبیعی انقلاب» شد. صاحبان این نظریه معتقدند که انقلاب‌های گذشته کم و بیش روند مشابهی را طی کرده‌اند و این روند فرایندی طبیعی و اجتناب ناپذیر است.

اما انقلاب اسلامی ایران خط بطلانی بر این نظریات کشید. اگر چه در بعضی موارد انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها وجه تشابه دارد، در عین حال شرایط و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی آن‌ها تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد. ما در این مطلب قصد داریم تفاوت‌های انقلاب ایران با انقلاب‌های روسیه و فرانسه را بررسی کنیم که البته مقایسه این دو انقلاب (انقلاب فرانسه و روسیه) با انقلاب اسلامی ایران نیاز به یک تحقیق وسیع و مشروح دارد که در این مطلب مختصر نمی‌توان به تمام آن موارد رسید. ما فقط می‌خواهیم یک چهار چوب کلی برای مقایسه این سه انقلاب با یکدیگر ارائه دهیم:

۱. میزان مشارکت سیاسی:

در انقلاب فرانسه، جمعیت محدودی از طبقه اشراف با نظام همکاری کردند که فقط در منطقه جغرافیایی پاریس فعال بودند. در انقلاب روسیه نیز عده محدودی از کارگران کارخانجات و سربازان فعال بودند که فقط در منطقه جغرافیایی «سن پترزبورگ» مسکو فعالیت انقلابی داشتند.

اما انقلاب اسلامی ایران تمام اقشار ملت اعم از کارگران، کارمندان، دانشگاهیان، بازاریان، روحانیون و... در تمام نقاط کشور همزمان ولی به‌طور عمده در شهرها مشارکت فعال داشتند و بر این اساس می‌توان گفت: یکی از مشخصه‌های انقلاب اسلامی شرکت وسیع مردم است که در مقایسه با دیگر انقلاب‌ها بسیار چشمگیرتر و فراگیرتر بوده است.

۲. ریشه انقلاب:

مهمترین وجه تمایز بین انقلاب ایران و انقلاب‌های روسیه و فرانسه، ریشه مذهبی آن است که هیچ‌گونه شباهتی به دو انقلاب دیگر ندارد. در ایران مذهب، قوه محرکه اصلی انقلاب به شمار می‌رفت و آتش انقلاب از درون مساجد زبانه کشید و سرانجام منجر به پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد.

پروفسور حامد الگار در این زمینه می‌گوید: «یکی از ممیزات انقلاب اسلامی ایران، شرکت وسیع توده‌های مردم مذهبی بود. در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و حتی چین، انقلاب همیشه با جنگ داخلی بین گروه‌های مختلف همراه بود...»

۳. رهبری انقلاب:

در انقلاب فرانسه رهبران اصلی انقلاب به‌طور «خلق‌الساعه» در این مقام قرار گرفتند و وابستگی طبقاتی داشتند. در انقلاب روسیه نیز در فوریه ۱۹۱۷ نام هیچ رهبری به چشم نمی‌خورد که کم‌کم در اکتبر همان سال، نام‌های متفاوتی چون لنین، تروتسکی، استالین، بوخارین و... مطرح می‌شد که مانند رهبران انقلاب فرانسه پایگاه مردمی چندانی نداشتند و توده‌های مردم، این افراد را چندان نمی‌شناختند، اما در انقلاب اسلامی ایران رهبر انقلاب از یک پایگاه وسیع و عمیق مذهبی و بلامنازع برخوردار بود. امام خمینی (ره) هم طراح، هم ایدئولوگ و هم معمار، مدیر و مجری انقلاب بود که در همه مراحل انقلاب چه قبل و چه بعد از پیروزی به این عنوان شناخته شد.

انقلاب‌های لهجه‌دار

مقایسه انقلاب‌های روسیه و فرانسه با انقلاب اسلامی ایران

۴. ایدئولوژی انقلاب:

در انقلاب فرانسه، اساس ایدئولوژی «لیبرالیسم» بود که هر چند در پیشبرد انقلاب این کشور نقش‌ی نداشته، ولی در شکل‌گیری نظام بعد از انقلاب، نقش اساسی داشته است و در واقع شاخه‌ای از «اومانیسم و انسان‌محوری» است که آزادی‌خواهی را تبلیغ می‌کند. لیبرالیسم گرچه در پیشبرد ابعاد اقتصادی و سیاسی در ظاهر تا حدودی موفق بوده، ولی در ترویج ارزش‌های مثبت اخلاقی و فضائل انسانی با شکست مواجه شده است که همین امر موجب نوعی ایجاد سردرگمی روحی و توسعه بیماری‌های روانی و افزایش روزافزون خودکشی در جوامع پیشرفته صنعتی شده است.

اساس ایدئولوژی در روسیه «مارکسیسم - لنینیسم» بود که این ایدئولوژی نیز در انقلاب روسیه نقش آنچنانی نداشته، ولی در شکل‌گیری نظام بعد از انقلاب و تحولات بعدی نقش اساسی را به عهده داشته است.

اما انقلاب اسلامی ایران برای کسب آزادی تنها و یا مانند انقلاب اکتبر روسیه، یک انقلاب کارگری نبود. بلکه در انقلاب اسلامی تاکید بر ایدئولوژی اسلام با تکیه بر تعالیم مکتب تشیع بود که در تهییج و تشکل مبارزات مردمی و نهایتاً سقوط نظام شاهنشاهی و نیز در شکل‌گیری تحولات بعد از انقلاب با تکیه بر اصل ولایت فقیه نقش زیر بنایی داشته است.

مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران از دید

پروفسور احمد هوبز:

۱. احیاء و زنده کردن احکام اسلام و اجرای آن
 ۲. استقرار عدالت اجتماعی
 ۳. استقرار نظام سیاسی اسلام
 ۴. تقویت علمی و فرهنگی جامعه
- در حقیقت تمام انقلاب‌های دیگر می‌خواستند یک نظام انسانی را در زمین مستقر کنند. یعنی نظام‌هایی مانند «ژان ژاک روسو» یا نظام «مارکس لنین»، در صورتی که انقلاب اسلامی می‌خواهد نظام «الله» را در زمین مستقر کند و راه خود را به سوی تمام دنیای اسلام باز خواهد کرد و بر روی جهان غیر اسلام نیز تاثیر خود را خواهد گذاشت.